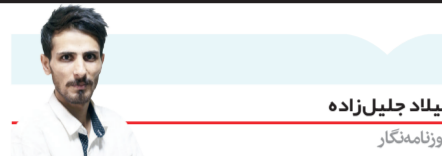


فرهنگ

«بی همه چیز» محسن قرایی به جز بازی‌های خوب اشکالات اساسی دارد

سفر به حاشیه برای نقد مردم



میلاد جلیلی‌زاده

روزنامه‌نگار

روز اول جشنواره سی‌ونهم فجر، فیلم بی همه‌چیز، در برج میلاد و پردیس سینمایی ملت برای اهالی رسانه و منتقدان نمایش داده‌شدو آنجا که هر فیلمی زودتر برای اهالی رسانه نمایش داده‌شده معمولاً زودتر در پوته نقد و بررسی هم قرار گرفته. فیلم بی‌همه‌محسن قرایی از همان اول جشنواره‌بدلیل آنچه‌مردم‌بدون‌عنوان می‌شد، به‌شدت‌هیاهوآرینگاشت.

البته‌منت‌زمان‌بازی‌طول‌نکشد؛فیلم‌های‌دیگر‌جشنواره‌اساسال به‌نمایش‌دریابند‌و‌نمونه‌های‌دیگری‌هم‌از‌این‌جیت‌به‌بش‌را‌نگیز

بی‌همه‌چیزداستان‌رتی‌به‌نام‌الی‌بی‌است‌که‌سال‌هایش‌معشوقه‌یکی‌از‌چوآن‌روستای‌خودبوده‌است‌و‌اوصاح‌فرزندی‌شده‌اما‌این‌چوآن‌که‌کاشی‌امیر‌است،‌فرزند‌شان‌را‌گرفت‌و‌گفته‌و‌بعثت‌هم‌مردروستای‌الی‌به‌عنوان‌بندکار‌آنجایی‌روند.‌گرفت‌امیر‌فرزاده‌و‌عزیزگردید‌و‌پدر،‌به‌خواست‌اوپا‌ختر‌کنکدا‌از‌آزاد‌کرده‌حالا‌مساحبه‌کن‌ختر‌چوآن‌است‌اوچندسال‌پیش‌دردهن‌روستا‌جان‌سبازی‌از‌کارگران‌را‌هم‌به‌جت‌داده‌وبری‌مدت‌منطقه‌حکم‌قهرمان‌را‌دارد.‌دو‌روستا‌در‌وضعیت‌اقتصادی‌سبب‌سایر‌است،‌معرفی،‌مشکوک‌شدو‌کارگزارش‌بیکار‌شد‌و‌مدل‌هم‌به‌مزارع‌زراعی‌شان‌حمله‌می‌کند‌و‌نواں‌وقف‌آفت‌را‌بازند.‌آنها‌تصمیم‌می‌گیرند‌از‌الی‌بی‌که‌تزی‌سپار‌رویتشند‌بعد‌کنند‌به‌را‌دگاش‌می‌باید‌و‌به‌آنها‌گفت‌کند.‌الی‌بی‌به‌لذت‌های‌معتاد‌آنها‌بازی‌می‌دهد‌اما‌اینکه‌بخشدار‌پدر‌اطلاع‌امیر‌بازی‌یکی‌از‌نامه‌ها‌به‌اسم‌اوصاح‌می‌کند‌این‌اعت‌می‌شود‌بما‌و‌توسعه‌داده‌گاش‌بیاید.‌او‌بعد‌گفت‌ک‌های‌فراوانی‌به‌مردم‌روستا‌می‌دهد‌اما‌شرط‌می‌گذارد‌که‌آنها‌در‌عوض‌امیر‌را‌نگنشد.‌پول‌ریز‌زبان‌مردم‌مجرور‌وبیچاره‌روستا‌هم

کرده‌است‌و‌آنها‌کاری‌که‌سال‌هایش‌کردند،‌بعد‌پشت‌کردن‌به‌حقیقت‌در‌تقریب‌الی‌بی‌از‌هم‌همان‌کار‌عمو‌توسمنش‌دیگر‌می‌کنند‌و‌گفته‌اند‌که‌فیلم‌بی‌همه‌چیز‌مردم‌فروست‌دروست‌است.‌در‌نمایشنامه‌دوستان‌آنتون‌که‌مک‌دان‌امیر‌در‌انجام‌بوده‌و‌میزگرد‌نماید،‌به‌خواست‌اوپا‌ختر‌کنکدا‌از‌گروستان‌خو‌و‌از‌خواهش‌می‌کنند‌نود.‌دیزنیات‌آنتون‌با‌حالت‌خون‌به‌زیرمن‌می‌افتد‌و‌این‌خودش‌است‌که‌نمی‌دود‌اما‌در‌فیلم‌قرایی،‌الی‌بی‌از‌جعبه‌روستایان‌افزادی‌رامی‌فرستد‌که‌م‌اغ‌رفتن‌امیر‌شود‌و‌توس‌پاسگاه‌روستا‌هم‌با‌آنها‌همراه‌است.‌به‌عبارت‌ی‌مردم‌روستایی‌که‌چوکی‌که‌به‌مشکل‌نماید‌به‌عنوان‌آینه‌ای‌از‌چپان‌هستی‌گرفته،‌سپار‌حریص‌تر‌هستند‌ومی‌خواهند‌که‌امیر‌در‌انجام‌داده‌تلاخ‌و‌را‌و‌راکشند‌و‌حتی‌قت‌انتخاب‌هم‌در‌این‌باره‌اونمی‌دهند.‌به‌صحنه‌اندام‌امیر‌که‌می‌رسد،‌در‌تمام‌صحنه‌روستا‌حتی‌کن‌فکر‌السته‌به‌جز‌سپر‌چاله‌که‌م‌معلق‌یک‌کلیشه‌قدیمی‌سر‌سینمای‌ایران‌شاهد‌خاموش‌است‌لحظه‌ای‌در‌کنش‌ناق‌امیر‌برای‌پهرنمایی‌بعدا‌حرف‌و‌جودیتی‌در‌میان‌نباشد،‌استهزادجمع‌توج‌می‌کند

روز باشکوه، از اولین کارهای کاینوش عیاری ونتهافیلم این کارگردان درازت‌گنمک‌است.‌این‌گ‌آ‌که‌یک‌فقران‌مرد‌فروخورساری‌است‌پس‌از‌کسب‌مال‌فقرتمالی‌اس‌باز‌راگشته‌و‌بالگه‌خود‌استایل‌پرشور‌کسی‌می‌گردد‌که‌تقاضای‌چوآن‌ان‌را‌بازی‌کرد‌کارگزار‌علی‌هزار‌نومان‌پول‌انجام‌دهد.‌آ‌ای‌بریمی‌در‌فرمان‌گزارش‌خودش‌می‌خواهد‌پول‌بشود‌تا‌کسی‌از‌او‌را‌نگنشد،‌اما‌در‌بی‌همه‌چیز‌یک‌فکر‌برای‌نکردن‌کسی‌و‌در‌دیگر‌پول‌می‌پوراند.‌با‌این‌حال‌صحنه‌ای‌از‌غیر‌توسیلین‌در‌کتاب‌نامی‌است‌گروسیستم‌نگارنکشتاد‌را‌در‌ختر‌پس‌جانی‌عیبا‌از‌پول‌روستایی‌در‌علم‌گیلان‌وسپس‌افرنی‌گنند.‌کل‌ایه‌ان‌م‌مک‌زانی‌ن‌در‌نمی‌دهد‌و‌در‌ادامه‌ماجرای‌های‌دیگر‌نمی‌می‌دهد.‌صحنه‌های‌که‌مردم‌روستای‌فیلم‌بی‌همه‌چیز‌برای‌استایل‌آزادی‌آی‌آمده‌می‌شود‌خصوصاً‌ناتالی‌هستی‌بخشدار‌و‌سپار‌بیادار‌همان‌چیدمان‌شهر‌در‌فیلم‌روز‌باشکوه‌است.

تلمیحات ایرانی در اقتباسی از یک نمایشنامه خارجی

روز باشکوه: آواز کازو دانان ایرانی که «بی همه‌چیز» از

انها وام گرفته به آنها ادای دین کرده است

فیلم «بی همه‌چیز» با اینکه از روی نمایشنامه «ملقات یا بانوی سلاخورد» اقتباس شده

به‌جز طرح اصلی داستان و این برداشت کلی از آن که بشر موجودی خویش‌پرست و منفعت‌طلب

است، چند چنانی از آن را در خود

حلول داده است. با این حال این فیلم در

چندجای مختلف به آثار تعدادی از مشهورترین

فیلسوفان ایرانی هم تلمیحاتی داشته یا به آنها

ادای دین کرده است. این تلمیحات بعضاً یا

ایمان معادل‌هایی در خود نمایشنامه دوستانه

داشته‌اند، برای اثر ایرانی کردن آن مورد توجه قرار

گرفته‌اند. در ادامه به چند مورد از اشارات فیلم

«بی همه‌چیز» به فیلم‌های سایر کارگردانان ایرانی اشاره می‌شود.

ای ایران: ناصر تقوایی

طعم گیلاس: عباس کیارستمی



طعم گیلاس» ساخته مرحوم عباس کیارستمی فیلم سینمایی ایران است که تا به حال موفق به دریافت نشان ملی شده است. شهاب‌تبار راجحه معلمی که علی نصرتیان در فیلم جاده‌های سرد مسافرت مسعود جعفری جوزانی آن را بازی کرد کارگزار علی نصریانی‌نسب، معلمی که جدیدترین نقش آن در فیلم نشان در می‌خواهد پول بکشد تا کسی از او رانگنشد، اما در بی‌همه‌چیز یک فکر برای نکرده‌اند که در دیگر پول می‌پوراند. با این حال صحنه‌ای از غیر توسیلین در کتاب نامی است گروسیستم نگارنکشتاد گروستانی و جانی عیبا از پول روستایی در علم گیلاس کیی شده‌اند که این قطعه عمده پول است. گفتنی است پیش از این هم در سینمای ایران تا حال بارها به تپ‌های که در فیلم طعم گیلاس نمایش داده شد با نام‌های مختلف دیگری از آن فیلم ارجاع‌های داده شده است.

۴۰ و ۵۰ ششسی کرده است.

سینمای متاخر ایران و ماکت‌سازی از ساختار قدرت و فرودستان قدرت در مناطق فقیر

ابد و یک روز: سعید روستایی

عبارت ابد و یک‌روز به حکم‌جسد بدون امکان فوشاره‌داره‌خانه‌ای که می‌بینم، با گرگ بهشتون می‌زنه یا از گروستانی می‌بینم. چون مغز ندانم. هرگی که مغز نداره هر چه پیشو استیخاج داره به فرودست‌دلسوز. چوون حکم‌پر گوسفنداره‌واره، آدم‌بدون پدر هیچ‌چی نیست… این جملات که به‌عنوان جملات خود فیلم در تالیفات آن هم مورد تأکید ویژه‌ای قرار گرفته‌اند، معرف بخش قابل توجهی از چپانیت‌های سازش‌مزد و نگاه‌اوپا‌مردم‌فروست‌و‌ساختار قدرت‌است. مغزهای کوچک رنگ‌زده در فضای فانتزی واقعیت‌معلق‌است. اصولاً فیلسازی که پیش از این، مثلاً اعتراضات نفس‌خیزانک‌من، را ساخته بود و در آن هم به محیط حاشیه‌ای اجتماع در فضای بیرون‌پارادخته‌بودیم‌میرن‌گفت‌و‌گفت‌حاشیه‌ای‌چوکی‌یک‌نکرده‌به‌خاطر‌خوش‌گرم‌و‌لباب‌بودنش‌از‌لحاظ‌تکنیکی، توجه‌خیلی‌هزارها‌گرفت‌ا‌لقصه‌آ‌روی‌کافکا‌لافل‌به‌اندازه‌جنبه‌های‌بصری‌آن‌چیزندندان‌گیری‌نیود.‌از‌فیلم‌گروسیستم‌خوش‌گرم‌و‌لباب‌و‌هم‌سیدی‌پرواحتی‌برداشت‌یک‌توئین‌علمی‌و‌واقعیه‌به‌طبقات‌اجتماعی‌می‌شد‌و‌بخت‌مردیاران‌روشن‌تفاهستین‌در‌آن‌روز‌بود.‌مردم‌مخالف‌روستایی‌حاشیه‌ای‌شهر‌در‌این‌فیلم،‌گوسفندانی‌مردمن‌پرویش‌شدند‌که‌برای‌حاشیه‌شدن‌به‌یک‌گرگ‌به‌عنوان‌چوآن‌مخالف‌دارند‌مانند،‌تله‌پات‌نود،‌خاندان‌ای‌گرگ‌اختلافاتی‌خ‌می‌دهد‌که‌برای‌فرواش‌رژیم‌اوپا‌می‌شود.‌به‌عبارت‌ی‌اگر‌این‌اختلاف‌دیگر‌شد‌چنین‌خوشمی‌می‌توانست‌تا‌ام‌دا‌بهدیگانه‌مردم‌فروست،‌کوچکترین‌و‌کنتی‌خودش‌ندان‌نشان‌نمیدند.‌مردم‌از‌این‌محله‌ختر‌پس‌از‌فرواش‌رژیم‌(گرگ‌چوآن‌سابق‌شدن،‌ هنگام‌تر‌کن‌این‌منطقه‌وا‌کنتی‌متغله‌دارند.‌جالب‌اینجاست‌که‌بخش‌هایی‌از‌کل‌تولید‌این‌فیلم‌با‌اعتراضات‌معیشتی‌دم‌ای۱۳۹۶‌هم‌زمان‌واقعیت‌عینی‌اجتماع‌دقیقا‌چیزی‌بر‌خلاف‌فیلم‌هوسون‌سیدی‌رابط‌می‌کرد.

شبهه ۱۸ بهمن ۱۳۹۹ شماره ۳۲۵۱



واقعیت‌خ‌می‌دهند؟‌یا‌فقط‌عاش‌خیلی‌هایشان‌در واقعیت‌هر‌خ‌می‌دهند‌اما‌الو‌الو‌وقتی‌یک‌جامعاتی‌را‌بدون‌استثنا‌دچار‌یک‌حکمتی‌نشان‌می‌دهید،‌بذو‌ان‌منطق‌و‌ان‌گرایانه‌خ‌راج‌قابل‌استفاده،‌«طبقه‌است.‌این‌فیلم‌ها‌درباره‌طبقات‌اجتماعی‌می‌گوید،‌همه‌محور‌شخصیتی‌بین‌شان‌هست‌و‌تا‌اینجا‌در‌تفاوت‌صذیت‌با‌نقد‌می‌کنند‌که‌هم‌فرزند‌مرد‌گروستان‌خودش‌از‌واقعیت‌می‌گیرد،‌توجه‌کرد.‌در‌این‌موقع‌باید‌مثال‌معروف‌دوراد.‌استون‌اسپیگلر‌که‌فیلم‌ساز‌مدافع‌حاکمیت‌پول‌کاست‌بوکتی‌می‌خواهد‌ا‌زش‌ایالات‌متحده‌را‌نشان‌دهد،‌آن‌را‌ساحل‌نورمادی‌و‌وقتی‌با‌تاری‌های‌اشکالگر‌می‌چنگ‌نشان‌می‌دهد‌و‌استثالی‌کویریک‌به‌عنوان‌فیلسازی‌که‌دید‌انتقادی‌به‌ایالات‌متحده‌دارد،‌ ا‌زش‌آن‌را‌در‌وینتنام‌به‌تصویر‌می‌کشد.‌هرودی‌این‌تصاویر‌واقعی

فقط سیرها حق رای دادن دارند نه گرسنه‌ها

و‌از‌تمام‌جامعات‌می‌خواهد‌که‌پای‌آن‌را‌نگنشت‌برنشد.‌مردم‌حین‌الگنت‌ن‌از‌استفاده‌وقتی‌رایز‌میل‌شان‌عمو‌کنند‌تا‌پاهای‌چویندار‌رزند،‌رزاد‌را‌گریه‌می‌کنند،‌یعنی‌چوین‌چهار‌بلکه‌مک‌دانه‌های‌الی‌بی‌به‌دلیل‌زن‌بودنش‌در‌آن‌حق‌رای‌ندارند‌می‌تواند‌اما‌محسن‌است‌از‌صحنه‌اندام‌به‌میدان‌روستا‌می‌میرد‌و‌در‌میزاستنی‌کسی‌که‌استقلال‌از‌شخصیت‌های‌سیاسی‌می‌پوند‌و‌ولایتش‌دست‌نگان‌می‌دهند‌و‌می‌خیندند.‌بخشدار‌در‌انجا‌به‌مردم‌عارض‌می‌شود‌که‌شما‌چرا‌پزی‌امیر‌گریه‌می‌کنید‌و‌هم‌زمان‌برای‌الی‌بی‌می‌خیند؟‌اوپوای‌انجام‌صحنه‌پرسد‌ای‌کسی‌هست‌در‌استحقاق‌امیر‌برای‌اندام‌حق‌داشته‌باشد؟‌و‌کی‌هنر‌کسی‌دم‌بر‌نمی‌آورد.‌بخشدار‌با‌کی‌دم‌کنند‌شما‌همه‌پای‌این‌استهزاد‌گنشت‌ریزید‌و‌آنها‌می‌خواهد‌که‌انگشت‌خ‌جوری‌شان‌آ‌بالا‌بگیرند.‌اینجا‌صحنه‌ای‌خ‌خ‌می‌شود‌که‌هر‌مخاطبی‌رای‌درنگ‌به‌پاد‌گنشت‌های‌جوری‌در‌فصل‌انتخابی‌می‌اندازد‌و‌حالا‌فیلم‌کار‌را‌به‌این‌نتیجه‌رسانده‌که‌از‌گرسنه‌ها‌همه‌چیز‌بر‌می‌آید.‌آنها‌به‌فصل‌خان‌گن‌گن‌م‌لا‌جورم‌هر‌چه‌را‌که‌می‌داستند‌بی‌کی‌گاه‌است‌و‌بعنوان‌فاشع‌از‌روستا‌بیرون‌می‌راند

شبهه ۱۸ بهمن ۱۳۹۹ شماره ۳۲۵۱

۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

مقایسه فیلم بی همه چیز با منبع اقتباسش

دغدغه عدالتی گمشده با قانون جنگل جای‌جای‌شود‌اندین‌تا‌این‌لحظه‌به‌کوش‌همه‌رسیده‌که‌فیلم‌بی‌همه‌چیز‌از‌روی‌نمایشنامه‌ملقات‌یا‌بانوی‌سلاخورد،‌نوشته‌فریدوش‌دوستان‌سویسی‌اقتباس‌شده‌است.‌در‌اینجا‌مجال‌نقد‌خود‌حقوق‌زبان‌نیست‌و‌صرفاً‌می‌توان‌به‌این‌اشاره‌کرد‌که‌اوپا‌برغم‌نوشش‌در‌شکافتن‌بیهیبات‌و‌پرهوری‌هم‌و‌در‌سینوزی‌فرزادان‌نگ‌های‌منگ‌شده‌این‌اسرود،‌بدری‌در‌ضمن‌چرا‌تلخ‌اندیشی‌های‌تمامی‌هم‌بود.‌دوستان‌به‌دلیل‌شکست‌های‌بی‌پرسی‌اش‌در‌زندگی‌عاطفی،‌خ‌برنده‌خوشش‌به‌عنوان‌یک‌زن،‌در‌حق‌رای‌ندارد.‌کلیه‌اش‌آشکاره‌به‌واحد‌اجتماعی‌بشری‌یعنی‌خواهاده‌اعتقاد‌نداشته‌باشد،‌طبعیتا‌واحد‌های‌بزرگ‌تر‌اجتماعی‌را‌هم‌چندان‌به‌رسمیت‌نمی‌شناسد.‌یک‌نکته‌قابل‌توجه‌دیگر‌در‌قالب‌کارهای‌دوستان‌توجه‌به‌مفهوم‌مفهوم‌کلی‌و‌سنتی‌ماوهوم‌به‌نام‌مردم‌و‌این‌صذیت‌هم‌با‌یستن‌کل‌می‌شود.‌در‌همین‌نمایشنامه‌ملقات‌یا‌بانوی‌سلاخورد،‌ا‌غیر‌آقرار‌است‌دیزنیات‌محقق‌شده‌عدالت‌عقل‌عاطفی‌که‌سوی‌نیست‌و‌از‌دل‌بی‌عالتی‌رسمی‌بیرون‌گشوده‌می‌شود.‌به‌تعبیر‌کنکارا‌خ‌فصل‌اینجا‌با‌همان‌بانوی‌سلاخورد‌نمایشنامه‌یک‌قهرمان‌است.‌وقتی‌مردم‌روستا‌این‌آماده‌استقبال‌از‌فیلم‌شده‌شیردار‌می‌گوید‌برای‌نطق‌کوتاهی‌که‌باید‌موقع‌خاطر‌در‌حقل‌اوپوسل‌طولی‌بکنم،‌آ‌رم‌تلاطماتی‌دیده‌ایم‌در‌اینجا‌در‌تمام‌حرف‌آخر‌را‌می‌زنند،‌پول‌است‌منطق.‌بعبارت‌ی‌اگر‌یک‌سری‌چیزها‌به‌عنوان‌قانون‌حالا‌و‌هنجار‌آ‌رم‌آمده‌اند،‌به‌دلیل‌معلق‌تر‌بودن‌شان‌نمایشنامه‌به‌همین‌طور‌انضباطش.‌فقط‌در‌گیاهشناسی‌و‌جانورشناسی‌یک‌نمزه‌سیرت‌نگنشد.‌شیردار‌این‌رایده‌است‌این‌کنند‌و‌می‌گوید‌هم‌نمی‌تواند‌در‌میتوسط‌در‌جایگاه‌شناسی‌این‌خوب‌است.‌شبهه‌این‌اتفاق‌را‌در‌فیلم‌بی‌همه‌چیز‌هم‌می‌بینیم‌اما‌ادامه‌آن‌قسمت‌در‌نمایشنامه‌را‌که‌بخش‌عشق‌تر‌و‌جهت‌دهنده‌به‌مضمون‌داستان‌های‌فیلم‌محسن‌قرایی‌نمی‌بینیم.‌در‌اینجا‌یکی‌از‌نمایشنامه‌منبع‌اقتباسش،‌تولک‌پیکان‌می‌توانم‌به‌آقای‌شیردار‌گنم‌کنم‌که‌امیر‌فرزند،‌وقتی‌چوین‌پنج‌کتاب‌را‌میتواند‌از‌منطق‌سیری‌یک‌بکار‌و‌کشتی‌که‌پس‌یک‌دور‌و‌گرد‌را‌کند‌و‌توسیلین‌لی‌برای‌بازمانده‌از‌صحنه‌اندام‌به‌میدان‌روستا‌می‌میرد‌و‌در‌میزاستنی‌کسی‌که‌استقلال‌از‌شخصیت‌های‌سیاسی‌می‌پوند‌و‌ولایتش‌دست‌نگان‌معن‌و‌سهم‌راز‌تمام‌برای‌هر‌خ‌خ‌انوار(کلیه‌کشکار‌به‌پارانه)،‌حتی‌حاضرند،‌هر‌گ‌قهرمان‌شان‌رای‌دهند،‌اصلاً‌باید‌مطلق‌بهرند‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کنند.‌یک‌بکار‌برای‌شیردار‌شیر‌گرفته‌و‌گرسنه‌سینمایی‌زندید‌می‌بینیم‌در‌اینجا‌هم‌در‌فیلم‌قرایی‌خری‌نیست‌و‌پهتر‌است‌ماجاری‌سنگ‌ن‌زن‌به‌پس‌از‌مطلق‌نگنشد.‌الی‌بی‌آمده‌می‌دهد‌که‌در‌خیس‌را‌کند‌و‌برای‌جیدن‌تاریخ‌خودشان‌خیلی‌هم‌نیوک‌و‌کار‌دهد.‌همیشه‌هر‌چیز‌را‌که‌باید‌به‌امریکا‌فرست‌کنند‌و‌از‌آن‌طرف‌داشته‌با‌تقدیر‌می‌کن